



ديه اهل كتاب

نویسنده: معرفت، محمد هادی

حقوق :: دادرسی :: آذر و دي 1377 - شماره 11

از 5 تا 8

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/74167>

دانلود شده توسط : محمدامین رضانی

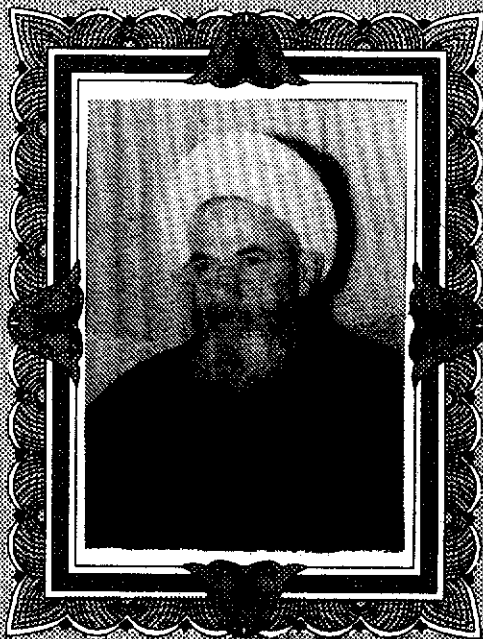
تاریخ دانلود : 1393/06/03 18:23:01

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com



دیه

اهل کتاب

به قلم: آیت‌الله محمد هادی معرفت

حکومت معاویه که آن را نصف نمود، و نصف دیگر را می‌گرفت و در بیت‌المال می‌نهاد.

عمر بن عبدالعزیز، آن نصفی را که در بیت‌المال می‌نهاد، به طور کلی اسقاط نمود.

زهری گوید: موفق نشدم که به عمر بن عبدالعزیز تذکر دهم که دیه، اساساً کامل بوده، و تنها معاویه آن را به دو قسمت تنصیف کرده بود.^(۴)

ابوحنیفه گوید: شافعی، برای نظر خود (ثلث دیه) دلیلی ارائه نکرده جز آن چه در کتاب «الأم» آورده، گوید: «قضی بذلک عمر و عثمان» و این گفتار در کتاب حدیث یافت نشده است.

شافعی در کتاب «الأم» از سعید بن المسیب نقل می‌کند که عمر و عثمان، دیه یهودی و مسیحی را چهار هزار (۴۰۰۰) درهم و دیه مجوسی را هشتصد (۸۰۰) درهم قرار داده‌اند؛ که (۴۰۰۰) چهار هزار درهم در آن روز، یک سوم دیه کامل محسوب می‌شده، و روایت نصف دیه را مجهول شمرده است.^(۵) مالک، دیه یهودی و مسیحی را همانند دیه

گفته است: «وان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیة مسلمة الی اهلہ و تحریر رقبة مومنة»^(۳) یعنی: اگر مقتول از گروهی باشد که با شما پیمان دارند، همانند دیگر مقتولین که در صدر آیه آمده باید دیه کامله به ورثه او پرداخت شود. مفسران در باره این مقتول، اختلاف نظر دارند آیا در صورتی است که مومن باشد یا مطلقاً؟ بیشتر مفسران مطلق گرفته‌اند، که ابوحنیفه همین قول را ترجیح داده است. ولی طبق سیاق آیه و در روایات معتبره، مؤمن بودن وی شرط است. زیرا اساساً آیه از قتل مؤمن که خطا انجام گرفته سخن می‌گوید؛ و بر فرض اطلاق، قابل تعقید است، و روایت یادشده دلیل بر این تعقید می‌باشد، مگر آن که ابوحنیفه، روایت را نپذیرفته باشد، چنانچه در کلام شافعی یادآور می‌شویم. ابن شهاب زهری که از فقهای نامی و معاصر عمر بن عبدالعزیز است گوید: دیه یهودی و نصرانی و هر ذمی مانند دیه یک مسلمان است؛ و در عصر پیامبر اکرم ﷺ و خلفای اربعه همین گونه بوده است تا دوران

مشهور میان فقهای امامیه در باره دیه اهل کتاب (یهود، مسیحی و مجوس) هشتصد (۸۰۰) درهم است، در صورتی که دیه کامله ده هزار (۱۰/۰۰۰) درهم مطابق هزار (۱۰۰۰) دینار می‌باشد. در میان فقهای عامه اختلاف است، و مجموعاً بر سه قول می‌باشند: نخست آن که دیه آنان نصف دیه مسلمان است. و این قول، رأی مالک و عمر بن عبدالعزیز است.

دوم: یک سوم دیه مسلمان. رأی شافعی است. و از عمر بن الخطاب و عثمان بن عفان نیز روایت شده است.

سوم: برابر دیه مسلمان، رأی ابوحنیفه و ثوری و گروهی دیگر از فقهای عامه، و از عبدالله بن مسعود روایت شده و به عمر و عثمان نیز نسبت داده شده است و گروهی از تابعین نیز بر این قول‌اند.^(۱)

عمده مستند رأی نخست، روایتی است که از پیغمبر اکرم ﷺ نقل کرده‌اند، فرموده باشد: «دیه الکافر علی النصف من دية المسلم»^(۲) ولی ابوحنیفه به عموم آیه تمسک کرده و

زن مسلمان شش هزار (۶۰۰۰) درهم یا پانصد (۵۰۰) دینار، نصف دیه کامل می‌داند و دیه مجوسی را هشتصد (۸۰۰) درهم و احمد بن حنبل، در قتل عمد ذمی دیه کامل و در خطا نصف دیه گفته است. (۶)

از قدمای فقهای امامیه ابو علی محمد بن احمد معروف به ابن جنید متوفای سال ۲۸۱ گریذ: اهل کتاب که تحت ذمه (حمایت) اسلام قرار دارند، و از شرایط ذمه تخلف نورزیده‌اند، دیه هر مرد چهارصد (۴۰۰) دینار یا چهار هزار (۴۰۰۰) درهم) است. ولی اگر اسلام با قهر و غلبه بر آنان مستولی گشته هشتصد (۸۰۰) درهم است.

در این باره به روایت ابویصیر از امام صادق علیه السلام استناد جسته که فرموده: «دیه‌الیهودی والنصرانی اربعة آلاف درهم، ودیه المجوسی ثمانمأة درهم» (۷) که قسمت اول روایت را بر اهل ذمه حمل کرده، و قسمت اخیر را بر کسانی که سلطه اسلام قهراً بر آنان چیره گشته (۸).

روایات در این باره مختلف است:

۱- در بسیاری از روایات آمده: «دیه‌الیهودی والنصرانی والمجوس سواء: ثمانمأة درهم».

۲- و در مؤثقه ایسی بصیر آمده: «دیه‌الیهودی والنصرانی اربعة آلاف اربعة آلاف، ودیه المجوسی ثمانمأة درهم».

۳- و در مرسله صدوق: «أن دیه‌الیهودی والنصرانی والمجوسی اربعة آلاف درهم اربعة آلاف درهم، لانهم (ای المجوس) اهل الکتاب».

۴- در صحیحه ابان بن تغلب از امام

صادق علیه السلام: «قال: دیه‌الیهودی والنصرانی و المجوسی دیه المسلم» (۹)

صدوق - رحمه الله - اختلاف روایات را، بر اختلاف حالات اهل کتاب - در رابطه با تعهد آنان نسبت به دولت اسلامی - حمل

مشهور میان فقهای امامیه در باره دیه اهل کتاب (یهود، مسیحی و مجوس) هشتصد (۸۰۰) درهم است، در صورتی که دیه کامله ده هزار (۱۰/۰۰۰) درهم مطابق هزار (۱۰۰۰) دینار می‌باشد.

نموده است و بدین سان میان روایات جمع کرده، گوید: در صورتی که میان آنان و دولت اسلامی معاهده‌ای بسته شده، و شرایطی با آنان مقرر گشته، تا بر عهد خود استوارند و به شرایط عمل می‌کنند، دیه آنان چهار هزار (۴۰۰۰) درهم است. و در صورتی زیر پوشش اسلام و در حمایت اسلام قرار گرفته‌اند، دیه آنان همانند دیه یک مسلمان است.

شاهد بر این جمع، صحیحه زراره از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «من اعطاه رسول الله صلی الله علیه و آله - ذمه فندیه کامله. قال زراره فهولاء ما؟ قال الصادق علیه السلام: وهم من اعطاهم ذمه» (۱۰)

(هر که را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «ذمه» داده است (تحت‌الحمايه، دولت اسلامی قرار داده) دیه او دیه کامله است. سپس زراره می‌پرسد: اهل کتاب امروز - که در پناه اسلام زندگی می‌کنند - چه؟ فرمود: اینان نیز مانند اسلاف خود، تحت‌الحمايه اسلام قرار دارند، و حکم آنان

برایان نیز جاری است.)

راه جمعی را که مرحوم صدوق پیموده، از نظر فن درست‌تر می‌نماید، زیرا شاهد جمع را از خود روایات به دست آورده است که صحیحه زراره می‌باشد. شاهد جمع دیگری نیز وجود دارد و آن، مؤثقه سماعة بن مهران از امام صادق علیه السلام است فرمود: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - خالده بن ولید را به بحرین گسیل داشت، و بر دست او خون‌هایی ریخته شد که می‌بایست دیه آنان را بپردازد. آن گاه به پیامبر نوشت که خونهای یهود و نصاری را هریک هشتصد (۸۰۰) درهم پرداختم. ولی خونهای مجوسی را ندانستم چه اندازه بپردازم، زیرا از شما دستوری نداشتم! پیامبر در جواب نوشت: دیه مجوسی مانند دیگر اهل کتاب است» (۱۱)

بحرین در آن عهد، طرف مصالحه قرار گرفته بود، و همچنان تحت سیطره دست نشاندۀ دولت فارس «منذربین ساوی» بود، خود او و قبایل عربی و برخی ایرانیها اسلام آوردند ولی یهود و نصاری و بقیه مجوس، قبول «جزیه» نمودند.

این مصالحه بر دست علامه بن خضر می‌نماید پیامبر در سال هشتم هجری انجام گرفت. (۱۲)

از این رو، اهل کتاب که در مؤثقه سماعة مطرح شده‌اند، هنوز همگون با دیگر شهروندان مسلمان، در یک کشور تحت سیطره کامل اسلامی قرار نگرفته بودند. لذا می‌توان به دست‌آورد روایاتی که دیه ذمی را هشتصد (۸۰۰) درهم دانسته، ناظر به اهل جزیه که طرف مصالحه قرار گرفته‌اند می‌باشد.

عهدنامه‌ای را که پیامبر ﷺ پس از استقرار

می‌شوند، جدا از دیگر مردم‌اند)...

آنگاه یکی یکی قبائل عرب را نام می‌برد و
شؤون مربوطه هر یک را می‌شمرد... سپس
می‌فرماید:

«وانه من تبعنا من يهود فان له النصر
والاسوة غير مظلومين ولا متناصرين عليهم...
(هر که از یهودیان از این عهدنامه پیروی
کند [به آن ملتزم گردد] این حق را دارد که
مورد حمایت و نصرت مسلمانان قرار گیرد، و
همانند آنان پیشگام باشد، و هرگز ستمی بر او
نشود و جلوی هرگونه زورگویی علیه او
گرفته شود.)

در ادامه می‌فرماید: «وان اليهود ينفقون
مع المومنين ماداموا محاربین، و ان يهود بنی
عوف امة مع المومنين. لليهود دينهم و
للمسلمين دينهم. مواليتهم وانفسهم، الا من
ظلم واثم، فانه لا يوتغ الا نفسه واهل بيته...
وان بظانة يهود كانوا قسهم وانه لا يخرج منهم
احد الا باذن محمد ﷺ...»

یهود همراه با مسلمانان بایستی هزینه
جنگ را [نیازهای دولت] بپردازند. و یهود
بنی عوف [بزرگترین قبیله یهودی] و سپس
بقیه قبایل یهود را با آنان همسان می‌گیرد. با
مسلمانان، یک امت محسوب می‌شوند
[بسیار جالب است که شهروند یهودی که
مسلم باشد با دیگر مسلمانان، یک امت شمرده
شوند!]. یهود بر دین خود، و مسلمان بر دین
خود [یعنی: اختلاف عقیده و مذهب، در
پسوند ملیت جسامه اسلامی خللی وارد
نمی‌کند]. این فرمان، شامل یهودیان و هم
پسوندشان و خواصی و خویشاوندانشان
می‌گردد، مگر آن که ستمی روا دارد یا جرمی
مرتکب شود. که در آن صورت خود و خانواده
خود را تباه ساخته است. در رفت و آمد زیر
نظر هستند و نبایستی بدون اذن پیامبر بیرون

روایات ۸۰۰
درهم باید ناظر به
مواردی باشد که مقبول از
زمره مسلمین بیرون بوده و نیز
زیر پوشش حکومت عدل
اسلامی قرار نگرفته و در
حریم اسلام پذیرفته
نشده باشد.

در مدینه مطهره نوشت، و به منزلت اساننامه
حکومت عدل اسلامی شمرده می‌شود،
حقوق متبادل میان مهاجرین و انصار و نیز
یهودیان ساکن در جوار مدینه را یادآور
می‌شود، تمامی قبائل عربی و حقوق هر یک را
در چارچوب عدل اسلامی متذکر می‌گردد، و
همچنین حقوق متبادل میان یهودیان و
مسلمانان همجوار را بیان می‌دارد، جالب آن
که تمامی قبائل عرب مسلمان و متعاقد، و
قبائل یهود را یک به یک نام می‌برد، و همگی
را با عنوان شهروندان یک مجموعه از حقوق
متساوی (له و علیه) برابر می‌گیرد.

عهدنامه چنین آغاز می‌گردد: «بسم الله
الرحمن الرحيم، هذا كتاب من محمد النبي ﷺ
بين المومنين والمسلمين من قریش و يثرب و
من تبعهم فليحق بهم و جاهد معهم، انهم امة
واحدة من دون الناس...»

(این نامه‌ای است از پیامبر ﷺ میان
مسلمانان، قریش و مردم مدینه و هر که از
پیروان آنان باشد و به آنان پیوندد و همگام
با آنان مبارزه کند. همگی یک امت شمرده

● راهی

را که مرحوم
صدوق رفته است
(برابری دیه شهروندان
اهل کتاب با مسلمین) علاوه بر
صحت استناد روایتی
(صحیح زراره و موثق
سماعه) شاهد تاریخی
معتبر نیز آن را تایید
می‌کند.

باز می‌فرماید: «وانه لا ینحجز علی ثار
جرح. وانه من فکک فبنفسه فکک واهل بيته، الا
من ظلم. و ان علی علی ابر هذا. و ان علی اليهود
نصفقتهم و علی المسلمین نصفقتهم، و ان
بینهم النصر علی من حارب اهل هذه الصحيفه،
وان بینهم النصح و النصيحة و البر دون الاثم...
(یک یهودی نبایستی از درخواست
قصاص یا دیه بر جراحت یا صدمه‌ای که بر او
وارد شده جلوگیری شود. و هر که راه تجاوز
را پیش گرفت بر خود تجاوز نموده، و
خداوند مهربان‌تر است از این که بر مظلومی
ستمی روا شود. هزینه یهود بر خودشان و
هزینه مسلمانان بر خودشان می‌باشد [یعنی
نباید هزینه گروهی بر گروه دیگر تحمیل
شود] و میان همه کسانی که در این نوشتار
یاد شده‌اند یاری و کمک رسانی حاکم است و
نصح و خیرخواهی نه بدخواهی...»

این عهدنامه را محمد بن اسحاق بن یسار
مطلبی (۸۵-۱۵۱) که از شاخصه‌های علم و
دانش و سیره‌نویس معروف و مایل به اهل

بیت - علیهم السلام - است نقل کرده و ابن هشام آن را در کتاب سیره خود آورده و از وی نقل کرده است. (۱۳)

خلاصه: راهی را که مرحوم صدوق رفته است (برابری دیه شهروندان اهل کتاب با مسلمین) علاوه بر صحت استناد روایتی (صحیح زراره و موثقه سماعه) شاهد تاریخی معتبر نیز آن را تأیید می‌کند.

از دیدگاه فن (قواعد اصولی) روایات ۸۰۰ درهم اطلاق دارد، و قابل تقیید است. و دو روایت فوق، صلاحیت تقیید آن را دارند. زیرا تفصیل در این دو روایت می‌تواند اجمال دیگر روایات را بردارد، و این خود از قبیل جمع دلالتی است که بر هرگونه توجیه دیگری (از قبیل حمل بر تقیه) مقدم است.

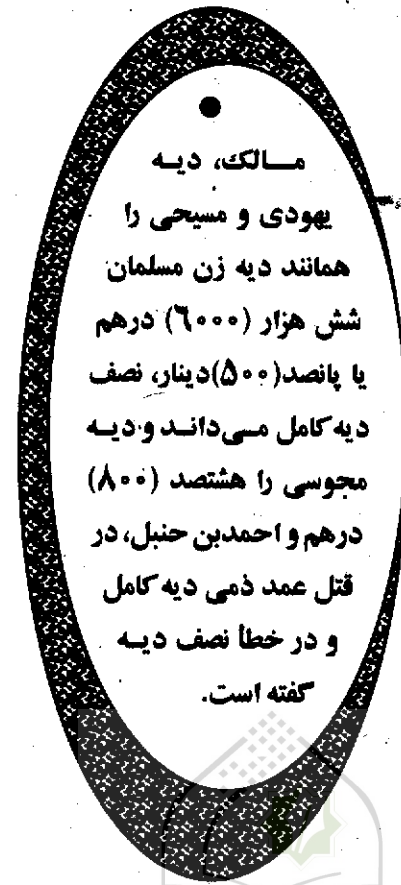
علاوه در جای خود روشن ساخته‌ایم که امامان معصوم - علیهم السلام - به ویژه دو امام بزرگوار (امام باقر و امام صادق - علیهما السلام) از کسی، مخصوصاً فقهای عصر خویش

بیمی نداشتند، زیرا همگی نسبت به این بزرگواران خاضع بودند. به ویژه در چنین احکام که صرفاً جنبه فقهاتی دارد، و به سیاحت حاکم ربطی نداشته باشد و مخصوصاً ابوحنیفه در آن دوران، موقعیتی چندان با اهمیتی نداشت که مانند امام صادق علیه السلام از او تقیه کند.

یکی از جهاتی که موجب وهن روایات ۸۰۰ درهم - به طور مطلق - می‌شود، ردیف ساختن «ولدا الزنا» با اهل کتاب (۱۴) است. که جملگی فقهای امامیه آن را نپذیرفته‌اند (۱۵) و دیه او را - در صورت حسن اسلام وی - با دیگر مسلمانان مساوی دانسته‌اند، و شدیداً تفرقه در این باره را مورد انکار قرار داده‌اند (۱۶).

لذا روایات ۸۰۰ درهم باید ناظر به

مواردی باشد که مقتول از زمره مسلمین



بیرون بوده و نیز زیرپوشش حکومت عدل اسلامی قرار نگرفته و در حریم اسلام پذیرفته نشده بوده است. در پایان متذکر می‌شویم، این مسأله به بررسی گسترده و همه‌جانبه نیاز دارد و نبایستی یک مسأله‌ای را حیثیت اسلام رازیر سؤال می‌برد، به سادگی بزخورد نمود. اگر رای مشهور قطعیت شرعی داشته باشد، لامحاله باید پذیرفت و از کسی باکی نداریم. ولی اگر جای بحث است باید دقت بیشتر می‌شود. لذا از محققین و الامام انتظار می‌رود بیش از این در این باره دقت فرمایند.

والسلام علی من اتبع الهدی.

پاورقی:

- ۱- رجوع شود به بدایة المجتهد - ابن رشد، ج ۲، ص ۴۴۷
- ۲- مسند احمد، ج ۲، ص ۱۸۰ و ۲۱۵ - وخ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۹۴. رقم ۴۵۸۳: «دیه المعاهد نصف دیه الحر»
- ۳- نساء: ۴: ۹۲
- ۴- ابن رشد: بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۴۴۸.
- ۵- رجوع شود به «الام» ج ۷، ص ۳۴۲.
- ۶- عمدة الفقہ علی المذاهب الاربعه - جزیری، ج ۵، ص ۳۷۱-۳۷۲.
- ۷- وسائل الشیعه ج ۲۹، ص ۲۲۲، رقم ۴، باب ۱۴، دیات النفس.
- ۸- فتاوی ابن الجنید. شیخ علی پناه، ص ۳۶۷، م ۸ و مختلف الشیعه - علامه، ج ۹، ص ۴۴۵، م ۱۲۰.
- ۹- رجوع شود به من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۹۱ و وسائل، ج ۲۹، ص ۲۱۷، باب ۱۳، و ص ۲۲۱، باب ۱۴.
- ۱۰- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۹۱-۹۲.
- ۱۱- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۹۰ و تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۱۸۶، و وسائل، ج ۲۹، ص ۲۱۸-۲۱۹.
- ۱۲- رجوع شود به معجم البلدان یا قوت حمیری، ج ۱، ص ۳۴۷-۳۴۸. و تاریخ کسامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۳۰.
- ۱۳- سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۴۷-۱۵۰.
- ۱۴- رجوع شود به وسائل، ج ۲۹، ص ۲۲۲، باب ۱۵، دیات النفس.
- ۱۵- مگر کسانی که ولدا الزنا را مسلمان ندانند گر چه به ظاهر ایمان آورد. و این خود برخلاف مبانی حکمت است (رجوع شود به الانتصار - سید مرتضی، ص ۲۷۳).
- ۱۶- رجوع شود به جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۳۳.